



تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵ صفحه ۱۲۲ تا ۱۴۱

شناسایی ابعاد کارآفرینی در مناطق مرزی و تاثیر آن بر امنیت داخلی (مطالعه موردی: استان سیستان و بلوچستان)

سیدمهدی خاکزادیان، حسن مفخمی شهرستانی^۲

چکیده

این پژوهش با هدف شناسایی ابعاد کارآفرینی در مناطق مرزی و بررسی تأثیر آن‌ها بر امنیت داخلی در استان سیستان و بلوچستان انجام شده است. روش تحقیق، توصیفی-پیمایشی از نوع کاربردی بوده و داده‌ها از طریق پرسشنامه محقق ساخته با مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت گردآوری شده‌اند. جامعه آماری شامل فعالان کارآفرینی، مدیران محلی و کارشناسان حوزه امنیت و توسعه در مناطق مرزی استان بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین شده است. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار SmartPLS استفاده شد. نتایج مدل اندازه‌گیری نشان داد که تمامی سازه‌ها از پایایی درونی و روایی همگرا برخوردارند و شاخص‌های آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و AVE در محدوده قابل قبول قرار دارند. در مدل ساختاری، اثر تمامی ابعاد کارآفرینی بر امنیت داخلی مثبت و معنادار بوده و بعد اقتصادی (۰/۶۴۳) بیشترین اثرگذاری را داشت، سپس به ترتیب ابعاد فرهنگی، نهادی، اجتماعی و فناورانه قرار گرفتند. شاخص‌های برازش مدل شامل ضریب تعیین (۰/۵۷۰) برازش متوسط، شاخص استون-گیسر (۰/۳۴۲) تناسب پیش‌بینی متوسط و مقدار کلی برازش GOF برابر با ۰/۵۰۹ نشان‌دهنده کیفیت بالای مدل بودند. این یافته‌ها بیانگر آن است که توسعه کارآفرینی در ابعاد مختلف، نه تنها زمینه‌ساز رشد اقتصادی و اجتماعی در مناطق مرزی است، بلکه می‌تواند به‌طور مستقیم در تقویت امنیت داخلی نقش آفرینی کند. بر این اساس، پیشنهادهایی همچون توسعه خوشه‌های کارآفرینی بومی، بهبود زیرساخت‌های لجستیک، راه‌اندازی مراکز نوآوری، تسهیل فرآیندهای اداری و ارتقای آموزش مهارت‌های کارآفرینی ارائه شده است. این رویکرد می‌تواند چارچوبی برای سیاست‌گذاری توسعه‌محور و امنیت‌ساز در سایر مناطق مرزی کشور نیز فراهم آورد.

واژگان کلیدی: کارآفرینی، مناطق مرزی، امنیت داخلی، سیستان و بلوچستان، مدل‌سازی معادلات ساختاری

۱. استاد یار، گروه مدیریت صنعتی (کارآفرینی)، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

(نویسنده مسئول) M.Khazadian@umz.ac.ir

۲. استاد یار، گروه فرماندهی و مدیریت انتظامی، دانشگاه جامع علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

h.mofakhami1355@gmail.com



Identifying Dimensions of Entrepreneurship in Border Regions and Their Impact on Internal Security (Case Study: Sistan and Baluchestan Province)

Seyed Mehdi Khakzadian¹, Hasan Mofakhmi Shahrestani²

Abstract

This study aims to identify the dimensions of entrepreneurship in border regions and examine their impact on internal security in Sistan and Baluchestan province, Iran. The research adopts an applied, descriptive–survey approach, with data collected through a researcher-made questionnaire using a five-point Likert scale. The statistical population comprised entrepreneurs, local managers, and experts in the fields of security and development in the province’s border areas, with the sample size determined using Cochran’s formula. Data analysis was conducted via Structural Equation Modeling (SEM) using SmartPLS software. The measurement model results indicated that all constructs demonstrated acceptable internal consistency and convergent validity, with Cronbach’s alpha, Composite Reliability (CR), and Average Variance Extracted (AVE) within satisfactory ranges. In the structural model, all entrepreneurship dimensions had a positive and statistically significant effect on internal security. The economic dimension had the strongest influence ($\beta = 0.643$), followed by cultural, institutional, social, and technological dimensions. Model fit indices ($R^2 = 0.570$) (moderate fit), ($Q^2 = 0.342$) (moderate predictive relevance), and a Goodness of Fit (GOF) value of 0.509—indicated overall high model quality. The findings suggest that fostering entrepreneurship across various dimensions not only promotes economic and social development in border regions but also directly contributes to strengthening internal security. Practical recommendations include developing indigenous entrepreneurial clusters, improving logistics infrastructure, establishing innovation hubs, streamlining administrative processes, and enhancing entrepreneurial skills training. This approach offers a framework for integrated, security-oriented development policies that can be applied to other border regions of the country.

Keywords: Entrepreneurship, Border Regions, Internal Security, Sistan and Baluchestan, Structural Equation Modeling.

1. Assistant professor, Industrial management (entrepreneur), Faculty of Economic and Administrative Sciences., Mazandaran University, Babolsar, Iran (Writer-in-charge)

M.Khakzadian@umz.ac.ir

2. Assistant professor, Police Command and Management Department, Amin Police Sciences Comprehensive University, Tehran, Iran h.mofakhmi1355@gmail.com



مقدمه

کارآفرینی به‌عنوان یکی از ارکان حیاتی رشد و پویایی اقتصادی، نقشی فزاینده را ایجاب می‌کند و کارهای جدید ایفا می‌کند و می‌تواند در ارتقای رفاه، کاهش آسیب‌های اجتماعی و تقویت تاب‌آوری ملی مؤثر باشد (پائول^۱ و همکاران، ۲۰۲۵). این نقش در مناطق مرزی، که در عین برخورداری از ظرفیت‌های منحصر به فرد با تهدیدهای خاص امنیتی نیز روبه‌رو هستند، جلوه‌ای دوچندان می‌یابد. فعالیت‌های کارآفرینانه در چنین مناطقی نه تنها منبعی برای اشتغال پایدار به شمار می‌روند، بلکه با فراهم کردن زمینه‌های مشارکت اقتصادی و اجتماعی، موجب تقویت انسجام ملی و کاهش بسترهای نارضایتی می‌شوند (حیدری و همکاران، ۱۳۹۹). از منظر مقابل، ضعف یا نبود کارآفرینی مولد، امکان رشد فعالیت‌های غیرقانونی و تضعیف امنیت داخلی را افزایش می‌دهد و این ارتباط دوسویه میان توسعه اقتصادی مرزی و امنیت ملی، ضرورتی روشن برای مطالعه عمیق ایجاد می‌کند (پاسکاری^۲ و همکاران، ۲۰۲۰). مناطق مرزی ایران، به سبب موقعیت جغرافیایی و تنوع فرهنگی، در عین دارا بودن فرصت‌های ارزشمند در تجارت، گردشگری و کشاورزی، با محدودیت‌هایی چون زیرساخت‌های ناکافی، بیکاری فزاینده و دسترسی محدود به بازارهای رسمی روبه‌رو هستند. این چالش‌ها موجب شده بخش‌هایی از نیروی کار به فعالیت‌های غیررسمی یا کم‌بازده روی آورند که در برخی موارد، پیامدهای منفی امنیتی در پی دارد (یگانگی، ۱۴۰۳). همجواری با کشورهای دارای وضعیت‌های متفاوت اقتصادی و سیاسی، این پیچیدگی را تشدید کرده است؛ به نحوی که هرگونه تغییر در بافت فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر امنیت داخلی داشته باشد. از این منظر، فعال‌سازی ظرفیت‌های کارآفرینی بومی می‌تواند ابزاری کلیدی در پیشگیری از تهدیدات و ایجاد مسیرهای پایدار توسعه اجتماعی باشد (خرازیان و همکاران، ۱۳۹۷).

با وجود انبوه پژوهش‌های انجام شده در زمینه رابطه توسعه اقتصادی و امنیت مرزی، همچنان خلأ قابل توجهی در ادبیات علمی کشور مشاهده می‌شود. بخش عمده تحقیقات داخلی، همچون مطالعات یگانگی (۱۴۰۳)، ثنائی‌پور و زیودار (۱۴۰۰)، جمینی و جمشیدی (۱۴۰۰) و حیدری و همکاران (۱۳۹۹)، به پیوند میان ایجاد خوشه‌های کسب و کار، توسعه کارآفرینی، و ارتقای شاخص‌های امنیتی پرداخته‌اند، اما غالباً رویکرد آن‌ها یا تک‌بعدی بوده (صرفاً اقتصادی یا امنیتی)

1. Paul

2. Pascariu



یا در مناطق مرزی خاصی مانند کردستان، اورامانات کرمانشاه و مرزهای شمال غربی کشور متمرکز شده است. افزون بر آن، در بسیاری از پژوهش‌های پیشین، ابعاد کارآفرینی به صورت جامع و بر اساس مختصات اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی مناطق مرزی تحلیل نشده و تعامل میان متغیرهای کارآفرینی و امنیت داخلی بیشتر به صورت مفهومی یا مدل‌سازی نظری باقی مانده است تا به انتکای داده‌های میدانی محلی و واقعیات پیچیده منطقه‌ای. از سوی دیگر، مرور مطالعات خارجی اخیر مانند پژوهش پائول و همکاران (۲۰۲۵)، سالوی و همکاران (۲۰۲۵) و پاسکاریو و همکاران (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که گرچه تجربه کشورهای دیگر، تأثیر مدیریت مرزی، نوآوری و خوشه‌های اقتصادی را بر توسعه و امنیت تأیید می‌کند، اما بسترهای اجتماعی، فرهنگی و امنیتی هر کشور منحصر به فرد بوده و الگوهای وارداتی به سادگی قابل تعمیم به مناطق مرزی ایران نیست. منطقه سیستان و بلوچستان، با ویژگی‌های خاصی چون مرز طولانی با دو کشور، چالش‌های امنیتی ناشی از جرائم سازمان‌یافته، اقتصاد غیررسمی گسترده، تنوع قومی و فرهنگی، و وابستگی شدید به معیشت مرزی، نمونه‌ای شاخص از یک محیط چندبُعدی و پیچیده است که نیازمند بررسی بومی و داده‌محور است. در این فضای شکاف‌آلود پژوهشی، مطالعه‌ای که بتواند ابعاد مختلف کارآفرینی (شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، نهادی، فرهنگی و زیرساختی) را در چنین منطقه‌ای شناسایی و تأثیر این ابعاد را بر بهبود امنیت داخلی به صورت تجربی و نظام‌مند بررسی کند، می‌تواند علاوه بر پرکردن خلأ دانشی، به ارائه یک چارچوب کاربردی برای سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای-امنیتی منطبق بر شرایط بومی کمک شایانی نماید. این مقاله با تمرکز بر استان سیستان و بلوچستان، در پی ارائه نتایجی است که نه تنها به فهم علمی بهتر تعامل میان کارآفرینی و امنیت کمک می‌کند، بلکه مبنای تدوین سیاست‌های یکپارچه و پایدار در مرزهای شرقی کشور را نیز فراهم می‌آورد.

مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

پیشینه شناسی تحقیق

یگانگی (۱۴۰۳) به بررسی توسعه اقتصادی مرزها ضمن امنیت مرزی پرداختند این تحقیق نشان می‌دهد که تجمیع بنگاه‌ها و فعالان اقتصادی در قالب خوشه، علاوه بر بهبود دسترسی به منابع، فناوری و بازارهای فروش، می‌تواند با کاهش بیکاری، افزایش رفاه و تقویت مشارکت محلی، زمینه‌ساز ارتقای امنیت اجتماعی و نهایتاً امنیت مرزی شود. از سوی دیگر، امنیت پایدار در نواحی مرزی به ایجاد محیطی کم‌خطر و قابل پیش‌بینی برای فعالیت‌های اقتصادی کمک



می‌کند و انگیزه سرمایه‌گذاری و کارآفرینی را در میان ساکنان این مناطق افزایش می‌دهد. این تعامل دوسویه بین پایداری اقتصادی و امنیت مرزی، که در قالب مدل‌های مفهومی متعددی مورد بررسی قرار گرفته است، مبنای اصلی بسیاری از سیاست‌های توسعه یکپارچه در کشورهای دارای مرزهای حساس به شمار می‌آید. ثنائی پور و زیودار (۱۴۰۰) به بررسی راهبردهای تأمین امنیت ملی پایدار در مناطق مرزی کشور با رویکرد سیاست‌های کلی پرداخته و نتیجه گرفتند توسعه کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان راهبردی کارا و اثربخش در تأمین امنیت مناطق مرزی محسوب شود؛ به‌گونه‌ای که هم برای ساکنین این مناطق و هم برای حکومت‌ها، رابطه برد-برد ایجاد می‌نماید. کارآفرینی علاوه بر ایجاد مزیت‌های متعدد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند به افزایش امید و پویایی، شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های ساکنین مناطق مرزی منجر شود. جمینی و جمشیدی (۱۴۰۰) با مدل‌سازی عوامل مؤثر بر توسعه شاخص‌های کارآفرینی در مناطق روستایی ایران، منطقه اورامانات، استان کرمانشاه دریافتند میزان برخورداری روستاییان از شاخص‌های کارآفرینی در سطح پایینی قرار دارد و دو عامل سیاست‌های حمایت اقتصادی و عوامل محیطی - منطقه‌ای از عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی هستند. حیدری و همکاران (۱۳۹۹) به طراحی مدل توسعه اکوسیستم کارآفرینی در مناطق مرزی، مورد مطالعه استان کردستان پرداختند و دریافتند مدل توسعه اکوسیستم کارآفرینی در استان کردستان است که دربرگیرنده ۷ متغیر سرمایه اجتماعی، سرمایه مالی، سیاست، بازار، سرمایه انسانی، حمایت و فرهنگ می‌باشد. خرازیان و همکاران (۱۳۹۷) با تحلیل تاثیر مولفه‌های توسعه اقتصادی بر امنیت پایدار منطقه مرزی در منطقه مرزی بوران تا سردشت دریافتند گسترش بازارچه‌های مرزی، ارتقای سطح درآمد ساکنان مرزنشین، کاهش فساد و رانت و کاستن از بروکراسی اداری در نهادهای دولتی و غیردولتی، بیشترین سهم را در بهبود امنیت مرزی ایفا کرده‌اند. همچنین، به کارگیری نیروهای جوان و تحصیل کرده، ارتقای سطح رفاه، کاهش نابرابری‌های اقتصادی، توسعه مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، تسهیل فرآیند صادرات، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و فعال‌سازی واحدهای تولیدی و تبدیلی، از دیگر عوامل اثرگذار بر پایداری و ثبات منطقه مرزی محسوب می‌شوند. پائول و همکاران (۲۰۲۵) در تحقیقشان نشان دادند که تحقیقات موجود بیشتر بر ابعاد اقتصادی داخلی متمرکز بوده و توجه کمی به تعاملات کارآفرینی در مناطق مرزی شده است. موانع اصلی توسعه اقتصادی مرزی، تفاوت‌های نهادی، محدودیت سرمایه، و عدم هماهنگی سیاست‌هاست. ظرفیت‌های استفاده‌نشده، مانند تجارت مرزی قانونی و توسعه خوشه‌های بومی،



شناسایی شدند. سالوی و همکاران (۲۰۲۵) دریافتند در مناطق درگیر جنگ یا ناامن، کاهش سرمایه‌گذاری و فقدان فرصت‌های رسمی کسب‌وکار، منجر به افزایش کارآفرینی غیررسمی و خوداشتغالی می‌شود. الگوها نشان می‌دهند که این نوع کارآفرینی بیشتر نیازمحور بوده و با ریسک بالاتر و مقیاس کوچک‌تر همراه است. ریچاردسون و کاپلانو (۲۰۲۲) نتیجه گرفتند محدودیت‌های مرزی ناشی از کرونا باعث کاهش تبادلات اقتصادی و سرمایه‌گذاری شد، اما شرکت‌های فناوری و کارآفرینان با نوآوری‌های دیجیتال، بخشی از این شکاف را جبران کردند. دوره بحران موجب افزایش انعطاف‌پذیری و سازگاری مدل‌های کسب‌وکار شد. پاسکاریو و همکاران (۲۰۲۰) دریافتند مرزهای جغرافیایی هم می‌توانند عامل محدودکننده توسعه باشند و هم فرصت‌ساز؛ میزان تأثیر به شبکه‌های ارتباطی، سرمایه‌گذاری زیربنایی و سیاست‌های هماهنگ با مناطق همسایه بستگی دارد. تاب‌آوری فضایی در این مناطق نیازمند تنوع‌بخشی اقتصادی و تقویت تعاملات مرزی است.

مبانی نظری

کارآفرینی در مناطق مرزی: مفاهیم، ابعاد و عوامل مؤثر

کارآفرینی در مناطق مرزی به معنای شناسایی، بهره‌برداری و توسعه فرصت‌های اقتصادی در محدوده‌هایی است که به دلیل موقعیت جغرافیایی و همجواری با کشورهای همسایه، همزمان تحت تأثیر تعاملات اقتصادی بین‌المللی و محدودیت‌ها و الزامات امنیتی قرار دارند (ریچاردسون و کاپلانو، ۲۰۲۲). کارآفرینی در این مناطق علاوه بر خلق ارزش اقتصادی، نقش آفرینی مهمی در تقویت انسجام اجتماعی، ایجاد اشتغال پایدار و کاهش آسیب‌های ناشی از فقر و بیکاری دارد. این نوع کارآفرینی ماهیتی چندبُعدی دارد و از یک‌سو متأثر از سیاست‌ها و ظرفیت‌های داخلی و از سوی دیگر وابسته به تعاملات فرامرزی است (ثنائی پور و زیودار، ۱۴۰۰). بر اساس ادبیات نظری، کارآفرینی در مناطق مرزی را می‌توان مجموعه‌ای چندلایه از فعالیت‌ها و قابلیت‌ها دانست که در تعامل با ویژگی‌های محیطی و ساختاری این مناطق شکل می‌گیرد. به طور کلی، اندیشمندان حوزه توسعه منطقه‌ای ابعاد کارآفرینی را شامل مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی، نهادی، فرهنگی و فناورانه می‌دانند (سالوی و همکاران، ۲۰۲۵). بعد اقتصادی به ظرفیت ایجاد ارزش افزوده، جذب سرمایه، و بهبود بهره‌وری اشاره دارد؛ بعد اجتماعی بر تقویت سرمایه اجتماعی، اعتماد و

1. Richardson & Cappellano
2. Salvi



شبکه‌های همکاری میان کنشگران محلی تمرکز دارد؛ بعد نهادی به کیفیت سیاست‌ها، قوانین و حمایت‌های ساختاری مربوط می‌شود؛ بعد فرهنگی بر نگرش‌ها، هنجارها و باورهای مرتبط با نوآوری و ریسک‌پذیری تأکید دارد؛ و بعد فناورانه ناظر بر نقش فناوری در ایجاد مزیت رقابتی است (شهرکی و سارانی، ۱۳۹۸). این ابعاد در نظریه‌های توسعه پایدار و امنیت اقتصادی به‌عنوان اجزای مکمل یکدیگر شناخته می‌شوند و تحلیل آن‌ها بدون توسل به شواهد تجربی نیز می‌تواند بنیان نظری محکمی برای بررسی رابطه کارآفرینی و امنیت در مناطق مرزی فراهم آورد (جمینی و جمشیدی، ۱۴۰۰). مطالعات نظری در حوزه توسعه منطقه‌ای بیان می‌کنند که شکل‌گیری و پویایی کارآفرینی در مناطق مرزی تابع برهم‌کنش مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، محیطی و فردی است. از منظر ساختاری، چارچوب‌های قانونی، سیاست‌های حمایتی، و زیرساخت‌های فیزیکی و ارتباطی نقش تعیین‌کننده‌ای در تسهیل یا محدودسازی فعالیت‌های کارآفرینانه دارند (رستمعلی زاده و حسینی، ۱۳۹۸). در بعد محیطی، شرایط ژئوپلیتیکی، سطح امنیت پایدار و میزان تعاملات برون مرزی از جمله متغیرهای کلیدی محسوب می‌شوند که می‌توانند فضای کسب‌وکار را تقویت یا تضعیف کنند. در سطح فردی نیز، ویژگی‌های جمعیتی و روان‌شناختی کارآفرینان، همچون انگیزه، مهارت و آمادگی برای پذیرش ریسک، در بروز رفتارهای نوآورانه مؤثر هستند (احمدی فر و عبده‌زاده، ۱۴۰۳). ترکیب و تعامل این سه سطح، در چارچوب نظریه‌های توسعه پایدار و امنیت انسانی، نشان می‌دهد که کارآفرینی عملاً محصول هم‌افزایی بین محیط محلی، ساختار نهادی و سرمایه انسانی است، نه صرفاً نتیجه یک عامل منفرد (جوهری، ۱۴۰۲).

ارتباط کارآفرینی و امنیت داخلی در مناطق مرزی

در ادبیات توسعه و امنیت، کارآفرینی به‌عنوان سازوکاری کلیدی برای کاهش آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و اقتصادی شناخته می‌شود. در مناطق مرزی، که غالباً با چالش‌هایی چون بیکاری، فقر، و تهدیدات امنیتی مواجه‌اند، ایجاد کسب‌وکارهای بومی می‌تواند به افزایش رفاه و کاهش زمینه‌های بروز ناامنی کمک کند (پائول و همکاران، ۲۰۲۵). نظریه‌های امنیت انسانی و توسعه پایدار بر این نکته تأکید دارند که امنیت داخلی و توسعه اقتصادی نه به صورت جداگانه، بلکه در قالب یک چرخه هم‌افزا عمل می‌کنند؛ بدین معنا که پیشرفت اقتصادی حاصل از کارآفرینی، زمینه را برای تقویت امنیت فراهم می‌آورد و امنیت پایدار نیز بستر رشد فعالیت‌های کارآفرینانه را گسترده‌تر می‌سازد (سالوی و همکاران، ۲۰۲۵). مطالعات مفهومی در حوزه مرزپژوهی و اقتصاد



منطقه‌ای، تحلیل ارتباط کارآفرینی و امنیت را با بهره‌گیری از رویکردهای سیستمی و تعاملی توصیه می‌کنند. بر اساس این دیدگاه‌ها، امنیت و کارآفرینی نه تنها متغیرهای وابسته به یکدیگرند، بلکه از طریق حلقه‌های بازخورد مثبت و منفی بر مسیر یکدیگر اثر می‌گذارند. برای مثال، نظریه «تاب‌آوری اجتماعی» توضیح می‌دهد که چگونه فعالیت‌های اقتصادی مولد می‌توانند ظرفیت سازگاری جامعه را در برابر تهدیدات امنیتی ارتقا دهند (رضازاده و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین، چارچوب «توسعه متوازن» بر اهمیت هم‌راستا کردن سیاست‌های اقتصادی و امنیتی تأکید دارد تا از تضاد میان این دو حوزه جلوگیری شود. از منظر نظری، پیوند کارآفرینی و امنیت داخلی در مناطق مرزی مستلزم درک این نکته است که این دو حوزه در بستری پیچیده و پویا عمل می‌کنند؛ بستری که متأثر از ویژگی‌های جغرافیایی، روابط بین‌الملل، ساختارهای دولت محلی و سرمایه اجتماعی است (یگانگی، ۱۴۰۳). رویکردهای تحلیلی نشان می‌دهند که سرمایه‌گذاری کارآفرینی می‌تواند بر شاخص‌های امنیتی مانند کاهش فعالیت‌های غیرقانونی، افزایش همکاری مردمی با نهادهای امنیتی و ارتقای اعتماد عمومی اثرگذار باشد. متقابلاً، حضور امنیت پایدار در این مناطق نه تنها از تهدید فعالیت‌های اقتصادی جلوگیری می‌کند، بلکه فضای روانی و اجتماعی لازم برای بروز نوآوری و توسعه کارآفرینانه را نیز فراهم می‌سازد (حیدری و همکاران، ۱۳۹۹).

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی است. هدف اصلی، شناسایی ابعاد کارآفرینی در مناطق مرزی و تحلیل تأثیر آن بر امنیت داخلی، در بستری است که پیشینه مطالعاتی مستقیم در آن محدود یا فاقد داده تجربی است. رویکرد تحقیق، کمی انتخاب شد تا با طراحی پرسشنامه و تحلیل آماری نتایج، امکان آزمون مدل مفهومی فراهم گردد. این انتخاب به دلیل سادگی در جمع‌آوری داده، امکان مقایسه نتایج با سایر مناطق و سازگاری با روش‌های پذیرفته‌شده صورت گرفت. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه فعالان اقتصادی و کارآفرینان استان سیستان و بلوچستان در شهرستان‌های همجوار مرز، شامل حوزه‌های صادرات و واردات، صنایع دستی، گردشگری، کشاورزی و خدمات تجاری است. دلیل انتخاب این استان مرز طولانی با پاکستان و افغانستان، فرصت‌های ترانزیتی و بازرگانی، چالش‌های امنیتی و توسعه‌ای، تنوع فرهنگی و ظرفیت بالای کارآفرینی بومی و فراملی بود. از نظر زمانی، محدوده گردآوری داده‌ها نیمه اول سال ۱۴۰۴ می‌باشد، و از نظر مکانی، تمرکز بر شهرستان‌های



زاهدان، میرجاوه و چابهار بوده است که بالاترین تراکم فعالیت‌های اقتصادی مرزی را دارا هستند. به دلیل نبود بانک اطلاعاتی جامع فعالان اقتصادی مرزی، روش نمونه‌گیری غیراحتمالی از نوع در دسترس استفاده شد. برای تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران برای جامعه نامحدود استفاده گردید. با در نظر گرفتن سطح اطمینان ۹۵٪، حجم نمونه ۲۶۷ نفر برآورد شد. به منظور افزایش دقت برازش مدل، حجم نمونه به ۳۲۰ نفر افزایش یافت. ابزار اصلی گردآوری داده‌ها یک پرسشنامه محقق ساخته است که گویه‌ها از دو منبع اصلی استخراج شد:

۱. مبانی نظری و مدل‌های پیشین: با مرور نظام‌مند ادبیات علمی در حوزه‌های «کارآفرینی در مرزها» و «امنیت داخلی» (ایران و سایر کشورها).

۲. تطبیق با شرایط محلی: برگزاری دو جلسه طوفان فکری با ۸ نفر از خبرگان محلی شامل دانشجویان، کارآفرینان و کارشناسان امنیتی استان.

پرسشنامه از سه بخش تشکیل شد: بخش اول؛ اطلاعات جمعیت‌شناختی (سن، جنس، سابقه فعالیت، حوزه کاری). بخش دوم؛ گویه‌های سنجش ابعاد کارآفرینی (اقتصادی، اجتماعی، نهادی، فرهنگی، فناورانه) به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای. بخش سوم؛ گویه‌های سنجش امنیت داخلی مرتبط با حوزه اقتصادی-اجتماعی در مرز. جهت اعتبارسنجی با روایی محتوایی، از قضاوت خبرگان محلی استفاده شد و شاخص نسبت روایی محتوایی (CVR) بر اساس جدول لاوشه محاسبه گردید (مقادیر بالاتر از ۰/۶۲ پذیرفته شد). روایی صوری نیز با اصلاحات نگارشی و مفهومی براساس بازخورد نمونه آزمایشی انجام شد. جهت پایایی آزمون مقدماتی روی ۳۰ پرسشنامه و محاسبه آلفای کرونباخ برای ابعاد مختلف نشان داد که تمامی مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۷ بوده و پایایی ابزار تأیید گردید. تحلیل داده‌ها در دو بخش انجام شد: بخش اول بخش توصیفی بود که استفاده از نرم‌افزار SPSS برای تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و شاخص‌های مرکزی-پراکنندگی و بخش دوم استنباطی که برای آزمون روابط بین ابعاد کارآفرینی و امنیت داخلی از مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس (PLS-SEM) در نرم‌افزار SmartPLS استفاده گردید. این روش برای نمونه‌های متوسط و پرسشنامه‌هایی با توزیع‌های غیرنرمال مناسب است. مراحل مدل‌سازی شامل ارزیابی مدل اندازه‌گیری (پایایی، روایی همگرا و واگرا) و مدل ساختاری (ضرایب مسیر، R^2 ، و آزمون معناداری با بوت‌استرپ) بود.



جدول ۱. ابعاد، تعریف مفهومی و شاخص‌های بومی؛ (منبع: یافته‌های پژوهشگر، ۱۴۰۴)

بعد	تعریف مفهومی	(شاخص‌ها) گویه‌های پرسشنامه
اقتصادی	ظرفیت و قابلیت‌های اقتصادی خاص استان سیستان و بلوچستان که از طریق کارآفرینی موجب اشتغال، درآمدزایی و رونق تجارت مرزی می‌شود.	۱. ایجاد فرصت اشتغال در صید میگو، خرما و صنایع بندری چابهار ۲. کاهش مهاجرت جوانان روستاهای مرزی ۳. افزایش درآمد با توسعه صادرات به پاکستان و افغانستان ۴. بهره‌برداری از بازارچه‌های مرزی مانند میرجاوه و پریم
اجتماعی	نقش کارآفرینی در ارتقای همبستگی قومی-اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی در مرزهای استان.	۵. افزایش همبستگی بین اقوام بلوچ و سیستانی از طریق فعالیت اقتصادی مشترک ۶. کاهش گرایش به قاچاق سوخت با مشاغل پایدار ۷. ارتقاء مهارت‌های بومی مانند سوزن‌دوزی و صید سنتی
نهادی	حمایت سیاستی و هماهنگی نهادهای محلی و ملی در توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه مرزی.	۸. حمایت نهادهای دولتی از صادرات محصولات محلی بندر چابهار ۹. قوانین مشوق سرمایه‌گذاری در مناطق مرزی ۱۰. هماهنگی نهادهای امنیتی و اقتصادی برای تسهیل تجارت رسمی
فرهنگی	بهره‌گیری از تنوع فرهنگی و حفظ میراث بومی در جهت رشد کسب‌وکارهای محلی.	۱۱. ترویج فرهنگ کارآفرینی بر پایه ارزش‌های بومی و اسلامی ۱۲. احیای صنایع دستی شاخص مانند سوزن‌دوزی و حصیربافی ۱۳. جذب گردشگر و سرمایه‌گذار با تنوع فرهنگی
فناورانه	به‌کارگیری فناوری‌های نوین برای توسعه و بازاربایی تولیدات استان.	۱۴. گسترش اینترنت پرسرعت در مناطق مرزی برای تجارت آنلاین ۱۵. بازاربایی خرما، میگو و صنایع دستی با شبکه‌های اجتماعی ۱۶. آموزش فناوری به کارآفرینان محلی
امنیت داخلی	تأثیر متقابل امنیت پایدار و کارآفرینی بر کاهش جرایم و رونق اقتصادی استان.	۱۷. کاهش قاچاق کالا و سوخت با توسعه کسب‌وکارهای رسمی ۱۸. مشارکت جوانان استان در طرح‌های امنیتی-اقتصادی ۱۹. تقویت اعتماد به نهادهای امنیتی و گمرکی ۲۰. نقش امنیت پایدار در رونق بندر چابهار ۲۱. کاهش جرایم اجتماعی روستاهای مرزی



یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

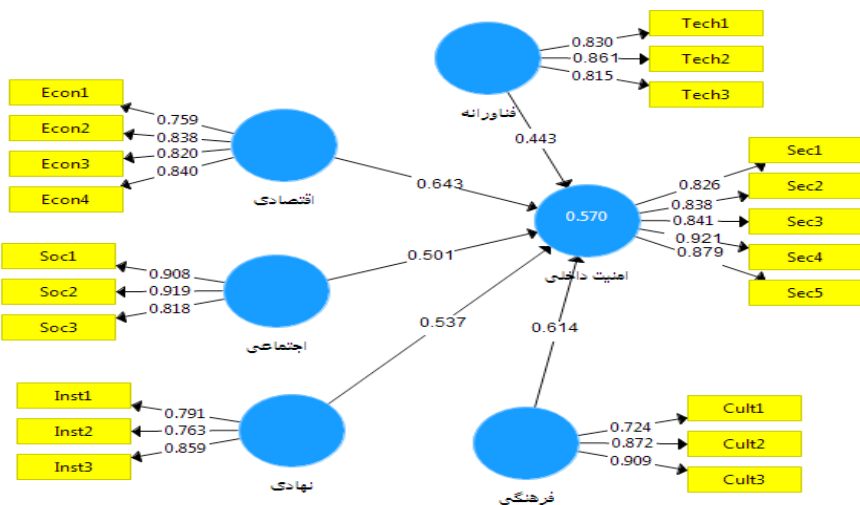
الف: یافته‌های تحقیق

آمار توصیفی متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش

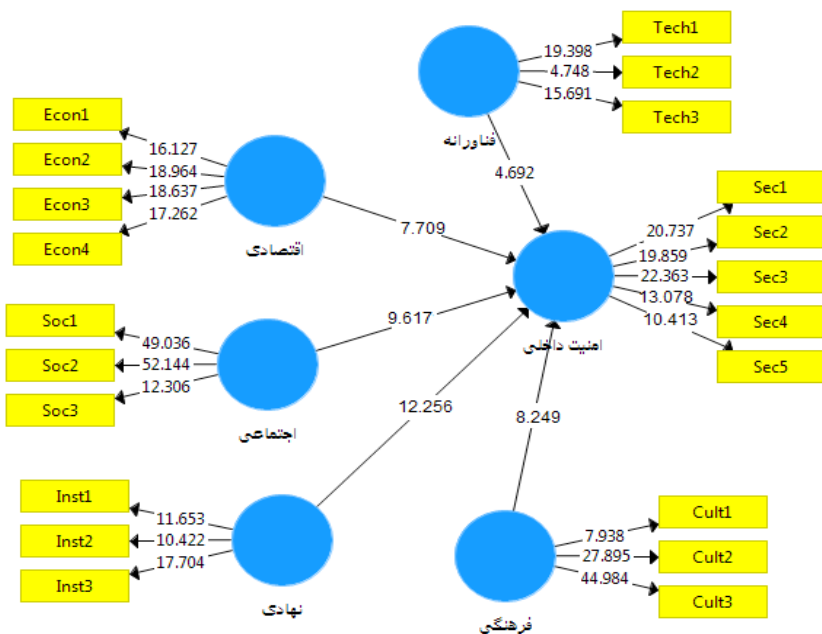
در بخش کمی پژوهش و بر اساس تحلیل جمعیت‌شناختی نمونه معادلات ساختاری ۳۲۰ نفر، بیشترین فراوانی مربوط به افراد دارای مدرک کارشناسی است (۴۲٪)، پس از آن شرکت‌کنندگان با مدرک کارشناسی ارشد (۲۷٪)، دکتری (۲۱٪) و دیپلمه (۱۰٪) قرار دارند. این توزیع نشان‌دهنده غالب بودن گروه دارای تحصیلات کارشناسی در نمونه آماری است. از نظر توزیع سنی، اکثریت افراد مورد مطالعه در بازه سنی ۴۱ تا ۵۰ سال هستند (۵۴٪). گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال ۲۰٪ و ۵۰ سال به بالا ۲۶٪ را شامل می‌شود که شاخصی از تجربه و بلوغ حرفه‌ای شرکت‌کنندگان است. از لحاظ جنسیت، ترکیب نمونه عمدتاً مردانه است، به طوری که ۸۲٪ از پاسخ‌دهندگان مرد و ۱۸٪ زن هستند. در خصوص سابقه کاری، تقریباً نیمی از افراد (۴۷٪) در بازه ۱۶ تا ۲۵ سال سابقه اشتغال دارند. پس از آن، ۲۸٪ دارای سابقه ۵ تا ۱۵ سال و ۲۵٪ بیش از ۲۵ سال سابقه کار هستند. محل سکونت ۲۷٪ از شرکت‌کنندگان از شهرستان زاهدان، ۲۴٪ از شهرستان میرجاوه، ۲۸٪ از شهرستان چابهار و ۲۳٪ از شهرستان سراوان بود. حوزه فعالیت ۱۹٪ از شرکت‌کنندگان بازرگانی مرزی، ۲۳٪ کشاورزی و دامداری، ۲۵٪ صید و آبی‌پروری، ۱۷٪ صنایع دستی و ۱۶٪ خدمات بود. بنابراین نمونه آماری پژوهش تنوع قابل توجهی از نظر تجربه شغلی را داراست. این نتایج بیانگر ترکیب متنوع اما غالباً باتجربه، با تحصیلات بالا و اکثریت مردانه در میان پاسخ‌دهندگان بخش کمی پژوهش است که زمینه مناسبی برای تحلیل ساختاری روابط متغیرهای پژوهش فراهم می‌سازد.

برآزش مدل اندازه‌گیری پژوهش

پس از تعیین مولفه‌ها و شاخص‌های کارآفرینی در مناطق مرزی و تاثیر آن بر امنیت داخلی در استان سیستان و بلوچستان، این عامل‌ها خوشه‌بندی شدند. به منظور ارزیابی درستی و اعتبار خوشه‌بندی‌ها، از روش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است. در این راستا، اعتبار سازه‌ای به کمک الگوریتم حداقل مربعات جزئی مورد سنجش قرار گرفت. فرایند مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart PLS شامل سه مرحله اصلی است: ارزیابی مدل اندازه‌گیری (بخش بیرونی)، ارزیابی مدل ساختاری (بخش درونی) و ارزیابی کل مدل. تحلیل براساس شکل (۱) و (۲) برآزش مدل اندازه‌گیری و ساختاری انجام می‌پذیرد.



شکل ۱. مدل کارآفرینی در مناطق مرزی و تاثیر آن بر امنیت داخلی در استان سیستان و بلوچستان (تخمین استاندارد)



شکل ۲. مدل کارآفرینی در مناطق مرزی و تاثیر آن بر امنیت داخلی در استان سیستان و بلوچستان (t-value)

شاخص‌های مدل اندازه‌گیری در جدول (۲) آورده شده است.

جدول ۲. مدل اندازه‌گیری کارآفرینی در مناطق مرزی و تاثیر آن بر امنیت داخلی در استان سیستان و بلوچستان

ابعاد	آلفا کرونباخ	پایایی مرکب CR	(AVE)	RHO_A
اقتصادی	۰/۸۳۷	۰/۸۳۱	۰/۶۰۱	۰/۸۷۴
اجتماعی	۰/۹۲۹	۰/۸۷۲	۰/۶۶۶	۰/۸۴۸
نهادی	۰/۹۱۴	۰/۸۸۳	۰/۵۵۹	۰/۸۵۲
فرهنگی	۰/۸۲۶	۰/۸۹۲	۰/۶۶۹	۰/۸۷۷
فناورانه	۰/۸۶۷	۰/۸۹۹	۰/۶۸۹	۰/۸۸۶
امنیت داخلی	۰/۸۰۵	۰/۸۰۲	۰/۷۱۲	۰/۸۶۹

نتایج این جدول نشان می‌دهد که سازه‌های پژوهش حاضر دارای پایایی درونی و روایی همگرای قابل قبولی هستند. اگرچه مقدار AVE برای برخی از سازه‌ها کمی پایین‌تر از حد ایده‌آل است، اما همچنان در محدوده قابل قبول قرار دارد.

برازش مدل ساختاری

در ارزیابی برازش مدل ساختاری، معناداری ضرایب مسیر با استفاده از مقدار آماره χ^2 بررسی می‌شود. مقادیر این آماره که به ترتیب از حدود ۱/۶۴، ۱/۹۶ و ۲/۵۸ فراتر روند، نشان می‌دهند که رابطه‌ی مورد بررسی در سطوح اطمینان ۹۰، ۹۵ و ۹۹ درصد از نظر آماری معنادار است و بنابراین، شواهد موجود در داده‌ها مانع از رد آن رابطه در این سطوح می‌شود. همچنین، مثبت بودن ضریب مسیر بین یک متغیر مکنون مستقل و متغیر مکنون وابسته حاکی از آن است که افزایش مقدار متغیر مستقل با افزایش متغیر وابسته هم‌بستگی دارد؛ برعکس، ضریب منفی بیانگر هم‌بستگی در جهت معکوس است.



جدول ۳. اثرات کل ابعاد کارآفرینی در مناطق مرزی و تاثیر آن بر امنیت داخلی

ابعاد	مسیر	معیارها	آماره t	ضریب مسیر	انحراف استاندارد	سطح معنی داری	نتیجه
اقتصادی	به سمت	امنیت داخلی	۷/۷۰۹	۰/۶۴۳	۰/۰۸۸	۰/۰۰۰	تایید
اجتماعی	به سمت	امنیت داخلی	۹/۶۱۷	۰/۵۰۱	۰/۰۸۹	۰/۰۰۰	تایید
نهادی	به سمت	امنیت داخلی	۱۲/۲۵۶	۰/۵۳۷	۰/۰۷۶	۰/۰۰۰	تایید
فرهنگی	به سمت	امنیت داخلی	۸/۲۴۹	۰/۶۱۴	۰/۰۸۷	۰/۰۰۰۰۱	تایید
فناورانه	به سمت	امنیت داخلی	۴/۶۹۲	۰/۴۴۳	۰/۰۷۳	۰/۰۰۰	تایید

ضریب تعیین (R^2) به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی سنجش کیفیت مدل در روش حداقل مربعات جزئی، میزان تغییرات متغیرهای وابسته را که به وسیله متغیرهای مستقل تبیین می‌شود، نشان می‌دهد. همچنین شاخص استون-گیسر (Q^2) برای ارزیابی قابلیت پیش‌بینی مدل به کار گرفته می‌شود و میزان قدرت مدل در پیش‌بینی سازه‌های درون‌زا را برآورد می‌کند. این شاخص‌ها با کنار هم قرار گرفتن، تصویری از توان مدل در تفسیر و پیش‌بینی روابط ارائه می‌دهند، بدون آنکه به معنای اثبات قطعی روابط تلقی شوند.

جدول ۴. ضریب تعیین و معیار استون-گیسر ابعاد کارآفرینی در مناطق مرزی و تاثیر آن بر امنیت داخلی

معیارها	R^2	وضعیت	Q^2	وضعیت
امنیت داخلی	۰/۵۷۰	بrazش متوسط	۰/۳۴۲	تناسب پیش‌بینی متوسط

بر اساس خروجی مدل نشان داده شده در جدول شماره (۴) مقدار $\overline{R^2 R^2}$ متغیر درون‌زای مدل برابر است با (۰/۵۷۰) و مقدار $Communalities$ از میانگین مقادیر اشتراکی متغیرهای پنهان مرتبه اول به دست می‌آید. این مقادیر برای متغیرهای پنهان مرتبه اول مدل، برابر است با (۰/۴۵۵). بدین ترتیب مقدار معیار GOF برای پژوهش فوق برابر می‌شود با:

$$GOF = \sqrt{Communitiy \times \overline{R^2}} = \sqrt{0.455 \times 0.501} = 0.509$$



با توجه به سه مقدار ۰/۰۱؛ ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF حاصل شدن مقدار ۰/۵۰۹ برای GOF نشان از برازش کلی قوی مدل در پژوهش حاضر دارد.

ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

در تحلیل برازش مدل اندازه‌گیری پژوهش حاضر، نتایج شاخص‌های پایایی و روایی نشان می‌دهد که کلیه ابعاد شش‌گانه (اقتصادی، اجتماعی، نهادی، فرهنگی، فناوریانه و امنیت داخلی) از سطح مطلوبی از پایایی و روایی برخوردارند. به‌طور مشخص، مقادیر آلفای کرونباخ برای همه ابعاد بالاتر از ۰/۸ بوده که نشان‌دهنده پایایی درونی مناسب ابزار اندازه‌گیری است. همچنین مقادیر پایایی مرکب در تمامی سازه‌ها از حداقل معیار ۰/۷ فراتر رفته که مؤید ثبات و انسجام درونی شاخص‌هاست. مقادیر Rho نیز همگی بالای ۰/۸۴ گزارش شده که تأیید دیگری بر قابل اطمینان بودن داده‌هاست. از منظر روایی همگرا، اگرچه مقدار AVE برای بعد نهادی (۰/۵۵۹) و اقتصادی (۰/۶۰۱) کمی پایین‌تر از حد ایده‌آل ۰/۶ تا ۰/۷ است، اما همچنان در دامنه قابل قبول قرار دارد؛ این موضوع نشان می‌دهد که شاخص‌های به‌کاررفته توانسته‌اند بخش معناداری از واریانس سازه‌ها را تبیین کنند. به‌طور کلی، این نتایج تأیید می‌کنند که مدل اندازه‌گیری از کیفیت مناسبی برخوردار بوده و می‌توان با اطمینان آن را به مرحله ارزیابی مدل ساختاری و آزمون فرضیه‌ها منتقل کرد.

نتایج حاصل از ارزیابی مدل ساختاری نشان می‌دهد که تمامی مسیرهای فرض شده میان ابعاد مختلف کارآفرینی در مناطق مرزی و متغیر «امنیت داخلی» از نظر آماری در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار هستند، زیرا مقادیر آماره t همگی بسیار بالاتر از ۲/۵۸ قرار دارند. این امر مؤید وجود شواهد تجربی محکم برای تأیید فرضیات پژوهش است. از منظر مقدار ضرایب مسیر، بعد اقتصادی با ضریب ۰/۶۴۳ بیشترین اثرگذاری مثبت را بر امنیت داخلی دارد و پس از آن به ترتیب ابعاد فرهنگی (۰/۶۱۴)، نهادی (۰/۵۳۷)، اجتماعی (۰/۵۰۱) و فناوریانه (۰/۴۴۳) قرار می‌گیرند. مثبت بودن تمامی ضرایب نشان می‌دهد که بهبود یا تقویت هر یک از ابعاد کارآفرینی با ارتقای سطح امنیت داخلی در استان سیستان و بلوچستان همراه است. مقادیر بسیار پایین انحراف معیار مسیرها نیز از ثبات برآوردها حکایت دارد. بر اساس این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که رویکردهای سیاستی و اجرایی که بر توسعه توانمندی‌های اقتصادی و فرهنگی در مناطق مرزی متمرکز شوند، بیشترین بازده را در ارتقای امنیت داخلی خواهند داشت، هرچند سایر ابعاد نیز نقش معنادار و مکملی ایفا می‌کنند.



نتایج شاخص‌های کیفیت مدل نشان می‌دهد که ضریب تعیین 0.57 برای متغیر «امنیت داخلی» در محدوده برازش متوسط قرار دارد، به این معنا که ابعاد پنج‌گانه کارآفرینی توانسته‌اند حدود 57 درصد از تغییرات امنیت داخلی را تبیین کنند؛ این سطح تبیین در پژوهش‌های علوم انسانی و اجتماعی قابل قبول و معنادار تلقی می‌شود. از طرف دیگر، شاخص استون-گیسر 0.342 بیانگر تناسب پیش‌بینی متوسط است، بدین معنا که مدل دارای قدرت پیش‌بینی مناسبی برای سازه‌های درون‌زا بوده و در مواجهه با داده‌های جدید احتمالاً عملکرد تحلیلی رضایت‌بخشی خواهد داشت. تلفیق این دو شاخص با معیار نیکویی برازش کلی (GOF) که در این پژوهش برابر با 0.509 محاسبه شده است، تصویری روشن از برازش قوی مدل به دست می‌دهد. این مقدار GOF با عبور قابل توجه از آستانه 0.36 نشان می‌دهد که مدل نه تنها از نظر آماری معنادار و سازگار است، بلکه از منظر تبیین و پیش‌بینی روابط بین سازه‌ها نیز از قدرت بالایی برخوردار بوده و می‌تواند مبنای مطمئنی برای تحلیل‌های سیاستی و کاربردی در حوزه امنیت داخلی و توسعه مناطق مرزی فراهم آورد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

هدف پژوهش حاضر بررسی ابعاد کارآفرینی در مناطق مرزی و تاثیر آن بر امنیت داخلی بود. بررسی تطبیقی نتایج پژوهش حاضر با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که یافته‌ها در بسیاری از موارد با پیشینه همگرا بوده و بر نقش کلیدی توسعه کارآفرینی در ارتقای امنیت مناطق مرزی تأکید دارند. همانند نتایج یگانگی (1403)، این تحقیق نیز کارآفرینی را ابزاری برای کاهش بیکاری، افزایش رفاه و تقویت مشارکت محلی می‌داند که در نهایت به امنیت اجتماعی و مرزی منجر می‌شود. همسویی با ثنائی پور و زیودار (1400) نیز مشهود است، چرا که هر دو مطالعه بر رابطه برد-برد توسعه کارآفرینی برای ساکنین و دولت‌ها تأکید کرده و ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را در پیوند با امنیت بر شمرده‌اند. همچنین، اهمیت عوامل محیطی و نهادی در توسعه کارآفرینی که جمینی و جمشیدی (1400) به آن اشاره کرده‌اند، در مدل این پژوهش از طریق بعد نهادی و شاخص‌های مرتبط تأیید شده است. مشابه یافته‌های خرازیان و همکاران (1397)، این تحقیق نیز ارتقای درآمد، کاهش نابرابری و بهبود فضای کسب‌وکار را از عناصر اثرگذار بر پایداری امنیت می‌داند. با یافته‌های پائول و همکاران (2025) نیز همگرایی وجود دارد، به ویژه در شناسایی ظرفیت‌های استفاده‌نشده نظیر خوشه‌های بومی و تجارت مرزی قانونی؛ اما برخلاف مطالعاتی که



بیشتر بر موانع نهادی و محدودیت سرمایه تأکید داشتند، این پژوهش با رویکردی جامع‌تر نشان داد که حتی در وجود چنین محدودیت‌هایی، ابعاد متنوع کارآفرینی می‌توانند اثر معناداری بر امنیت داخلی داشته باشند. نوعی واگرایی نسبی با سالوی و همکاران (۲۰۲۵) نیز قابل مشاهده است، چرا که در مناطق مورد مطالعه این پژوهش، شکل‌گیری الگوهای کارآفرینی گرچه با چالش همراه است، اما لزوماً نیازمحور و محدود به فعالیت‌های غیررسمی نبوده و جنبه‌های فرصت‌محور نیز فعال شده‌اند. افزون بر این، یافته‌های حاضر با تأکید بر نقش فناوری در مناطق مرزی، همسو با نتایج ریچاردسون و کاپلانو (۲۰۲۲) بر اهمیت نوآوری‌های دیجیتال و انعطاف‌پذیری مدل‌های کسب‌وکار در مواجهه با محدودیت‌ها صحنه می‌گذارد. در نهایت، همانند نتیجه‌گیری پاسکاریو و همکاران (۲۰۲۰)، این مطالعه نیز مرزها را به‌عنوان هم‌عامل محدودکننده و هم‌بستر فرصت‌شناسایی می‌کند، و بر نقش سیاست‌های هماهنگ مرزی و تاب‌آوری اقتصادی در تقویت این ظرفیت‌ها تأکید دارد.

در پرتو نتایج حاصل از این پژوهش می‌توان چنین جمع‌بندی نمود که توسعه ابعاد کارآفرینی در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان - شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، نهادی، فرهنگی و فناورانه - نه تنها به بهبود شاخص‌های توسعه و رفاه عمومی منجر می‌شود، بلکه به عنوان راهبردی مؤثر در ارتقای امنیت داخلی نیز عمل می‌کند. بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت‌های بومی استان، از جمله موقعیت راهبردی بندر چابهار، قابلیت‌های کشاورزی نظیر کشت خرما و محصولات گرمسیری، صنایع دستی اصیل بلوچ و دسترسی به بازارهای برون مرزی، می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد الگوهای کسب‌وکار پایدار باشد. چنین رویکردی با افزایش اشتغال، کاهش فقر و محرومیت و ایجاد فرصت‌های مشروع اقتصادی، نقش بسزایی در کاهش زمینه‌های بروز ناامنی و تقویت انسجام اجتماعی ایفا خواهد کرد. افزون بر این، به کارگیری نوآوری و فناوری در حوزه‌هایی نظیر لجستیک مرزی، مدیریت پایدار منابع آب و تجارت بین‌الملل می‌تواند ضمن ارتقای بهره‌وری، مزیت‌های رقابتی استان را تقویت کرده و پیوندهای اقتصادی و فرهنگی با کشورهای همسایه را عمق بخشد. این امر، علاوه بر افزایش ارزش افزوده اقتصادی، با گسترش تعاملات سازنده و وابستگی متقابل مثبت، موجب تضعیف بسترهای تنش‌زا و تقویت ثبات و امنیت پایدار خواهد شد. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و مدیران کلان، برنامه‌های توسعه‌ای را با نگاه یکپارچه به ابعاد مختلف کارآفرینی، فرهنگی و فناورانه طراحی و اجرا نمایند تا از رهگذر آن، دستیابی به توسعه همه‌جانبه و امنیت پایدار در سیستان و بلوچستان محقق شود. با توجه به نتایج این پژوهش و



شرایط خاص استان سیستان و بلوچستان، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران و مدیران اجرایی با تمرکز بر چند محور اقدام کنند: نخست، توسعه خوشه‌های کارآفرینی بومی در حوزه‌هایی همچون صنایع دستی بلوچ، فرآوری خرما، شیلات و گردشگری مرزی، با هدف ایجاد اشتغال پایدار و افزایش ارزش افزوده محلی؛ دوم، بهبود زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک بین‌المللی، به‌ویژه تقویت کریدورهای متصل به بندر چابهار برای افزایش سهم استان در تجارت منطقه‌ای؛ سوم، راه‌اندازی مراکز نوآوری و شتاب‌دهنده‌های کسب‌وکار در شهرهای مرزی برای جذب ایده‌های فناورانه و حل مسائل محلی با رویکرد دانش‌بنیان؛ چهارم، تسهیل فرآیندهای اداری و مالیات‌گیری برای کسب‌وکارهای مرزی به‌منظور کاهش بروکراسی و تشویق به سرمایه‌گذاری؛ و پنجم، ارتقای آموزش مهارت‌های کارآفرینی و بازاریابی بین‌الملل در بین جوانان و بانوان مرزنشین، تا ظرفیت انسانی استان به‌طور کامل در فرایند توسعه و تقویت امنیت پایدار مشارکت یابد.



منابع

الف - فارسی

- احمدی‌فر، رشید، عبده‌زاده، سیروان. (۱۴۰۳). دوگانه مرز و امنیت مطالعه کیفی نقش بازارچه‌های مرزی در احساس امنیت اقتصادی-اجتماعی روستائیان مرزنشین، جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۱۳(۱)، ۱-۳۰.
- ثنائی‌پور، هادی، زیودار، مهدی. (۱۴۰۰). راهبردهای تأمین امنیت ملی پایدار در مناطق مرزی کشور با رویکرد سیاست‌های کلی، سیاست‌های راهبردی و کلان، ۹(۳۶)، ۶۵۸-۶۸۴.
- جمینی، داود، جمشیدی، علیرضا. (۱۴۰۰). مدل‌سازی عوامل مؤثر بر توسعه شاخص‌های کارآفرینی در مناطق روستایی ایران نمونه پژوهش: منطقه اورامانات، استان کرمانشاه، برنامه‌ریزی فضایی، ۱۱(۳)، ۷۳-۹۴.
- جواهری، مهدی. (۱۴۰۲). نقش قاچاق کالا در تولید و باز تولید امنیت عمومی در مناطق مرزی ج.ا.ایران (مورد مطالعه استان کردستان)، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی، ۱(۲)، ۷-۳۴.
- حیدری، محسن، بدیع‌زاده، علی، حیدرزاده، کامبیز. (۱۳۹۹). طراحی مدل توسعه اکوسیستم کارآفرینی در مناطق مرزی (مورد مطالعه استان کردستان)، فصلنامه انجمن علوم مدیریت ایران، ۱۵(۵۷)، ۲۹-۵۹.
- خرازیان، هوال، اخباری، محمد، فرجی‌راد، عبدالرضا. (۱۳۹۷). تحلیل تاثیر مولفه‌های توسعه اقتصادی بر امنیت پایدار منطقه مرزی (مورد مطالعه: منطقه مرزی بورالان تا سردشت)، ۱۵(۶۰)، ۷۹-۹۶.
- رستمعلی‌زاده، ولی‌اله، حسینی، قربان. (۱۳۹۸). موانع سرمایه‌گذاری و کسب و کار در مناطق مرزی روستایی ایران، توسعه محلی (روستائی-شهری)، ۱۱(۲)، ۳۶۱-۳۸۶.
- رضازاده، زهره، شاطری، مفید، راستی، عمران. (۱۳۹۴). اقدامات توسعه‌ای و نقش آن در تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی مطالعه موردی: کمربند سبز دشت خوشاب، مرز خراسان جنوبی با افغانستان، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ۹(۱)، ۴۹-۷۲.
- شهرکی، حسن، سارانی، ولی‌الله. (۱۳۹۸). توسعه و همزاد شرس: تحلیل وضعیتی کارآفرینی روستایی در منطقه سیستان، توسعه محلی (روستائی-شهری)، ۱۱(۱)، ۱۷۳-۱۹۶.
- یگانگی، سید کامران. (۱۴۰۳). توسعه اقتصادی مرزها ضمن امنیت مرزی، جغرافیا و روابط انسانی، ۶(۴)، ۷۳-۸۶.



ب- انگلیسی

- Pascariu, G. C., Kourtit, K., & Tiganasu, R. (2020). Regional development, spatial resilience and geographical borders. *Regional Science Policy & Practice*, 12(5), 749-754.
- Paul, H., Chilla, T., & Sommer, C. (2025). Economy and Border Regions—A Research Gap? Results from a Scoping Review. *Journal of Borderlands Studies*, 1-19.
- Richardson, K. E., & Cappellano, F. (2022). Sieve or Shield? High Tech Firms and Entrepreneurs and the Impacts of COVID 19 on North American Border Regions. *Journal of Borderlands Studies*, 37(4), 805-824.
- Salvi, E., Hechavarria, D. M., & Gimenez-Jimenez, D. (2025). Opportunity amidst explosions: How armed conflicts spark informal entrepreneurship in emerging economies. *Journal of Business Venturing Insights*, 23, e00514.